

اتحاد عمل کارگری

مصاحبه «کمیته اقدام کارگری» با مازیار رازی

کمیته اقدام کارگری - رفیق مازیار رازی؛ همان طور که اطلاع دارید موضوع اتحاد عمل هم اکنون در سطح بخشی از کارگران پیشرو مطرح و برای انجام آن تلاش می کنند. سؤالی که از شما داشتیم این است که اصولاً چرا اتحاد عمل؟ اتحاد عمل بین چه کسانی و به چه دلیل باید صورت بگیرد؟ آیا هر تشکلی نمی تواند جداگانه برای اهداف خود فعالیت کند بدون نیاز به اتحاد عمل؟

با درود فراوان به شما و تشکر از ترتیب این مصاحبه.

در ابتدا می خواستم به اقدامات اخیر دوستانی که پیشنهاداتی برای ایجاد یک اتحاد عمل سراسری کارگری طرح کرده، و گام های مقدماتی نیز در آن ارتباط برداشته اند؛ خیر مقدم بگویم و از این پیشنهاد و اقدامات حمایت کامل خود را ابراز دارم. به اعتقاد من دوستانی که به این موضوع محوری در وضعیت کنونی توجه کرده اند، پیشنهادات و اقداماتشان قابل تقدیر است و باید مورد حمایت تمام کارگران پیشرو قرار گیرد.

علت ایجاد اتحاد عمل سراسری کارگری ضروری است زیرا که در وضعیت کنونی، عدم سازمان یابی طبقه کارگر به بحران مرکزی کنونی جنبش کارگری

مبدل شده است. بدیهی است که چنان چه گرایش های رادیکال و ضد سرمایه داری جنبش کارگری در یافتن راه حل این بحران گام های مؤثر و سریع بردارند؛ بحران توسط دولت سرمایه داری و متحدان بین المللی اش به صورت دیگری یا توسط گرایشات مامشات جو حل می گردد (البته به نفع سرمایه داری و به ضرر کارگران)؛ یعنی به صورت ایجاد تشکل کارگری وابسته به دولت سرمایه داری و تحمیق توده های کارگری برای یک دوره طولانی؛ این بار تحت عناوینی مانند «سندیکاهای دموکراتیک» و «آزاد» و با حمایت سازمان های بین المللی وابسته به امپریالیزم. بنابر این گرایش های رادیکال و ضد سرمایه داری جنبش کارگری بایستی گام هایی در راستای حل این بحران از هم اکنون بردارند.

بدیهی است که در این اتحاد عمل سراسری تنها افراد و نهادهایی از درون این اتحاد عمل کارگری کنار گذاشته می شوند که مستقیماً در خدمت دولت سرمایه داری قرار گرفته باشند. مابقی گرایشات نظری نیاید حذف گردند. حذف سایر گرایشات به هر علت یک اقدام غیردموکراتیک و غیراصولی است و اتحاد عمل را ناپایدار و مصنوعی می کند. حذف گرایی در اتحاد عمل به مفهوم تضمین شکست آن است.

کمیتة اقدام کارگری - چگونه اتحاد عمل شکل می گیرد؟

برای تدارک ایجاد یک اتحاد عمل سراسری کارگری یک سلسله از اصول اولیه دموکراتیک باید رعایت گردد. یعنی این که در درون این اتحاد عمل تمامی نظریات مختلف و متنوع کارگری (به غیر از نهادهای مرتبط به دولت سرمایه داری) باید بتوانند شرکت کنند. در درون این اتحاد عمل گرایشات

مختلف متحدان خود را یافته و ضمن کار مشترک عملی ضد سرمایه داری با سایر گرایشات؛ فعالیت اخص خود را نیز پیش می برند. راه حل اینست که با طرح مطالباتی که از آگاهی کنونی کارگران آغاز می شود؛ آن ها را در مبارزه روزمره شان رهنمود داد؛ تا نهایتاً کارگران به ماهیت نهادهای دولتی و امپریالیستی پی برده و خود را برای ایجاد تشکل مستقل خود آماده کنند. بدیهی است که طرح شعارهایی عمومی و «رادیکال» در برنامه جنبش کارگری باید قرار گیرد؛ اما نمی تواند در هر لحظه و در هر موقعیت در مقابل مطالبات مشخص روزمره کارگران قرار داده شود و اتحاد عمل را متوقف خواهد کرد. این گونه برخوردها مانند تحمیل یک یا چند مطالبه سیاسی مشخص نشان گر «رادیکالیزم» نیست بلکه نمایانگر فرقه گرایی ناب است. این روش از کار نه تنها کارگران را به جهت درست سوق نمی دهد؛ که آن ها را به طرف دولت سرمایه داری هل خواهد داد. زیرا آن شعارها برای کارگران غیرقابل لمس بوده و درک آن برای طیف وسیعی از کارگران به آسانی رخ نمی دهد. گرایش های رادیکال کارگری نمی توانند شعارهای خود را بر طبقه تحمیل کنند؛ درست برعکس باید حلقه های رابط بین آگاهی فعلی و هدف نهایی را با درایت و یختگی پیدا کنند. در غیر این صورت کارگران پیشرو از جنبش کارگری منزوی شده و به گوشه ای پرتاب خواهند شد.

کمیتة اقدام کارگری - در پاسخ به سؤال قبلی به این اشاره کردید که در وضعیت کنونی، عدم سازمان یابی طبقه کارگر به بحران مرکزی کنونی جنبش کارگری مبدل شده است. در این ارتباط موضوع دمکراسی کارگری و ضرورت عینی تقابل آن با دمکراسی سرمایه داری مطرح می شود. رابطه ی اتحاد عمل

با دمکراسی کارگری و فراهم کردن زمینه برای بروز اراده بیشترین گرایشات و نیروهای کارگری درون طبقه کارگر چیست و آیا می توان بدون در نظر گرفتن این دمکراسی به اتحاد عمل موفق و پایداری رسید؟

در پاسخ به این سؤال همان طور که بالا اشاره کردم، باید بگوییم که برای برداشتن نخستین گام در راستای اتحاد عمل کارگری یک پیش شرط وجود دارد. این پیش شرط اعتقاد داشتن به دموکراسی کارگری است. این پیش شرط به مفهوم به رسمیت شناختن حق گرایش است. یعنی گرایش های رادیکال جنبش کارگری باید بپذیرند که در درون جنبش کارگری اختلاف نظر و تنوع عقاید و گرایشات تشکیلاتی و سیاسی متنوعی وجود دارد (عقاید و تشکلات کمونیستی و سوسیالیستی؛ آنارشویستی؛ سندیکالیستی، آنارکوسندیکالیستی؛ رفرمیستی؛ مذهبی و غیره). برای برداشتن گام نخست باید بتوان تمامی کارگران را صرف نظر از اعتقادات سیاسی و تشکیلاتی آن ها؛ در درون یک ساختار تشکیلاتی دموکراتیک متشکل کرد. این ساختار دموکراتیک یک نهاد حزبی و یا تشکل مستقل ضد سرمایه داری کارگری نیست؛ بلکه یک اتحاد عمل کارگری است.

کمیتة اقدام کارگری – چرا این اتحاد عمل ها در پیش تر شکل نگرفتند؟

پیش تر یکی از عوامل بازدارنده عمده بر سر راه سازمان یابی کارگران عدم آمادگی خود پیشروی کارگری برای متشکل کردن کارگران بود. حذف گرایبی و انحصارگرایی در درون کارگران پیشرو بسیار رواج داشت و به یک امر عادی و قبول شده مبدل گشته بود (این انحراف در برخی از گرایشات کارگری هنوز تداوم دارد). هیچ گرایشی چشم دیدن مخالفان خود را نداشته و

به محض بروز کوچک ترین اختلاف نظری؛ به جای تحمل نظریات مخالف و در عین حال حفظ اتحاد عمل علیه دولت سرمایه داری، در ابتدا اتهام زنی ها آغاز می شود و سپس مسئله به حذف گرایی و نهایتاً دشمن ورزی علیه یکدیگر خاتمه می یابد. به جای تقویت اتحاد عمل کارگری با احترام متقابل به عقاید یکدیگر؛ اقدامات کارگری با عمده کردن اختلافات سیاسی، به افتراق مبدل می گردد. به جای تدارک اقدامات اثباتی ضد دولت سرمایه داری در اتحاد با یکدیگر و در کنار یکدیگر؛ فعالیت ها از روی چشم و هم چشمی و در مقابل یکدیگر سازمان می یابند. این روش از کار یک انحراف عمیقی در درون جنبش کارگری به وجود آورد.

البته ریشه این انحراف در ماهیت غیردمکراتیک دولت سرمایه داری باید جستجو کرد که طی بیش از دو دهه کوچک ترین اعتراضات کارگران را با روش های خشونت آمیز و ارباب گرایانه پاسخ داده است. کارگران پیشرو امروز به دو دسته تقسیم می گردند. کارگران پیشرو سنتی که در دروه پیش نقش تعیین کننده ای در تداوم فعالیت های کارگری ایفا کرده و به مثابه رهبران عملی توسط سایر کارگران شناخته شده اند؛ و کارگران پیشتاز و جوانان کارگر که گرچه از تجربه دسته اول برخوردار نبوده اما در صحنه سیاسی حاضر و فعال هستند. بدیهی است که باید به نقش پیشین کارگران پیشرو سنتی ارج نهاد. آن ها در دوران بسیار مشقت بار و دشواری توانستند تداوم مبارزات کارگری را با ایثارگری و از خودگذشتگی حفظ کنند. اما با باز شدن افق های سیاسی و گشایش های نوین؛ کارگران پیشرو سنتی همسویی را با وضعیت کنونی نمی توانند با گام های ضروری تطابق دهند. آن ها درها را بر روی خود، از ترس از دست دادن موقعیت پیشین شان، محکم بسته اند. در

نتیجه ناخواسته از مسببین اصلی افتراق و چند دستگی در گذشته شده اند. برای نمونه عده ای را به علت «روشن فکر» بودن حذف می کردند، و برخی را به علت اعتقادشان به ساختن «حزب» کنار می گذاشتند. عده ای را به عنوان عقاید «سندیکالیستی» محکوم می کردند و برخی را به علت وابستگی به «سازمان خاص» طرد می کردند. به جای تمرکز بر تقویت بزرگ ترین جبهه ضدسرمایه داری، آن ها انرژی خود را بر تفتیش عقاید و مرزبندی های کاذب نهاده بودند. در دوره پیش یکی از موانع اصلی در مقابل حرکت کارگری، برخوردهای غیردموکراتیکی بود که توسط برخی از کارگران پیشروی سنتی مصرانه اعمال می گشت.

این برخوردها باید کاملا طرد گردد. اگر قرار باشد که اتحاد عمل سراسری کارگری به توفیق برسد حذف گرایی و انحصارگری باید کنار گذاشته شود.

کمیتة اقدام کارگری – اگر ممکنه در همین ارتباط درس های اساسی از دستگیری منصور اسانلو و نقش کارگران پیشرو را ذکر کنید.

دستگیری و آزاد سازی منصور اسانلو چند درس مهم برای جنبش کارگری دربر داشت:

درس اول (و مهم ترین درس) این بود که این واقعه بار دیگر به وضوح نشان داد که ما در درون جنبش کارگری نیازمند یک اتحاد سراسری بودیم. فرقه گرایی، افتراق و خود محوربینی در درون برخی فعالان کارگری؛ منجر به باقی ماندن هشت ماهه غیر موجه منصور اسانلو در زندان اوین شد. (پس از آزادی یکبار دیگر هم او برای چند هفته دستگیر گشت) به عنوان مثال، چنان چه کارگران ایران در دفاع از منصور اسانلو تنها یک ساعت اعتصاب

عمومی سازمان می دادند، احتمالاً او حتی یک ساعت نیز در زندان باقی نمی ماند. بدیهی است که پیش شرط این اقدامات تدارک قبلی یک اتحاد عملی سراسری که چند سال است بحث های آن طرح گشته، و از سوی برخی از پیشروان کارگری نادیده گرفته شده، می توانست باشد.

شاید برخی استدلال کنند: "از آن جا که دولت سرمایه داری با روش خشن و سرکوب گرانه هر مخالفی را دستگیر می کند؛ در نتیجه اعتراضات کارگران بیهوده است و به جایی نمی رسد". آنان ادامه می دهند: "نه تنها این کارها بیهوده است که بی جهت کارگران را در معرض خطر قرار داده و منجر به دستگیری مابقی می گردد". و یا این که: "بهتر است اقدامات آرام و بی سروصدا انجام گیرد و دم به تله داده نشود!"

این گونه استدلال ها از اساس اشتباه هستند. اول، تمام تجارب کارگری و مقاومت های کارگری در ۲۰۰ سال پیش در وضعیت مشابه این گونه استدلال ها را مردود اعلام می کند. این تجارب غنی، نشان داده است اگر در درون کارگران محافظه کاری غالب شود، بهای سنگین تری کارگران در مجموع پرداخت خواهند کرد. دوم، خانه نشینی و محافظه کاری را تبلیغ می کند. این روش همخوانی با روحیه کارگران مبارز ضد سرمایه داری ندارد. سوم، برنامه ریزی درازمدت و سراسری توده ای را جایگزین محفل گرایی و باند بازی می کند و این روش از کار همسویی با گرایش به اتحاد کارگری ندارد.

سیاست های محافظه کارانه به ویژه در درون کارگران قدیمی ناشی از عدم اعتماد به نفس در درون خود آن هاست. کافی است تنها به مبارزات و مقاومت

چند ماه پیش کارگران جوان ایران خودرو دیزل نظر افکنده شود که چگونه در وضعیت بسیار نامساعد در مقابل اجحافات مدیریت ایستادگی کردند.

درس دوم، این بود که با وجود این که گرایش هائی در داخل ایران علنی می کنند، از جمله کارگران شرکت واحد، و دلیلی هم وجود ندارد که فی باشند، اما تجربه نشان داد که در شرایط ما در ایران، رهبران عملی کارگران باید به شکلی مخفی عمل کنند. دلیلی ندارد که رهبران اصلی به عنوان سخن گویان اصلی در معرض دستگیری قرار بگیرند و کل پروسه ی سازمان دهی مختل گردد. در مورد شرکت واحد دقیقاً این اتفاق افتاد. یعنی، چند نفر از رهبران اصلی شرکت واحد که سخن گویان و سازمان دهندگان اصلی آن نیز بودند دستگیر شدند و کم و بیش کارهای اصلی خوابید (البته عده ای اعتراضاتی کردند ولی سازمان دهی پس از یکی دو اعتصاب متوقف شد)، در صورتی که می توانست به اعتصابات درازمدت و بیشتر منجر شود (اگر رهبران در زندان نبودند).

این یکی از درس هائی است که می شود از این مبارزه گرفت که باید تلفیقی از کار مخفی و علنی را در شرایط کنونی به کار برد. مخفی از نظر رهبری، که ضرورتی ندارد در معرض خطر دستگیری قرار بگیرد، و علنی از نظر کار توده ی کارگران درگیر در مبارزه. متأسفانه این وضعیتی است که در ایران وجود دارد و ما باید خودمان را با این وضعیت منطبق کنیم.

درس سوم، هم حمایت های بین المللی است. کارگران ایران هم، به هر حال بخشی از کارگران جهان هستند. بخشی از کارگران جهان که امروز در حال مبارزات ضدسرمایه داری اند، ما باید مسئله ی ایجاد همبستگی بین المللی را در سطح ایران بسیار جدی بگیریم و صرفاً به امضاء گرفتن از چند سازمان

بین المللی اکتفاء نکنیم (البته این کارها هم باید انجام گیرند). به عنوان مثال ارتباط مستقیم با کارگران کشورهای آمریکای لاتین ایجاد کنیم، با کارگران کشورهای مجاور خودمان ارتباط ایجاد نمائیم، این ارتباطات پایه ای کارگری، منجر به این خواهد شد که برای مثال زمانی که اسانلو را دستگیر می نمایند هزاران نفر در سطح جهان اعتراض کنند. این فشارهایی است که به دولت سرمایه داری ایران می تواند وارد شود و عقب نشینی آن را تضمین کند. (این اقدامات در مورد فعالین کارگری سقز دو سال پیش توسط شبکه همبستگی کارگری و کمیته اقدام کارگری انجام گرفت و ثمرات مهمی نیز داشت).

کمیته اقدام کارگری - برای شروع فعالیت در یک اتحاد عمل، اساسی ترین موضوعات به نظر شما کدام ها است. مطالباتی که گرایشات را به دور هم جمع می کند و یا برای شروع، پرداختن به موضوعات برنامه ای و اساسنامه ای و نظایر این ها؟

به نظر من هر تشکل کارگری از جمله اتحاد عمل کارگری باید در تحلیل نهایی یک ساختار تشکیلاتی نیز داشته باشد. اما این ضرورت نباید منجر به نگرانی گردد. ساختار تشکیلاتی مانند اساسنامه و مرامنامه (واجبین شرایط برای عضوگیری و حق و حقوق اعضا و غیره) همه باید به شکل طبیعی از قلب حرکت مشترک بیرون آید.

رسم بر این است که هر گرایش یا افرادی که پیشنهادی برای ایجاد تشکلی را می دهند، در ابتدا به فکر ساختار تشکیلاتی آن و نوشتن مرامنامه و اساسنامه و شروط عضویت می افتند. در این میان انحصارگرایان و فرقه گرایان از موقعیت آتی خود و تشکیلات نوین نگران شده و زیر لوای به

اصطلاح «محکم کاری»، دست به حذف گرایی مخالفان سیاسی و شخصی خود می‌زنند. و در نهایت عملا درها را بر روی عده ای، از همان ابتدا می‌بندند و آن تشکیلات را از آن خود و همسویان خود می‌کنند. این روش از کار در تشکیل اتحاد عمل سراسری کارگری به معنی به قتل رساندن اتحاد عمل از همان روز نخست است! این روش از "سفت و سخت" کردن ها برای ایجاد یک اتحاد عمل سراسری ضرورتی ندارد.

در این دوره که عده ای از روش های خرده کاری و انحصارگرایی و فرقه گرایی برش کرده و بر اساس ضرورت عینی خواهان وحدت سراسری کارگری شده اند، بر خلاف پیش باید با روش دیگری کار اتحاد عمل آغاز گردد. به سخن دیگر باید از عمل مشترک به ضرورت ایجاد ساختار تشکیلاتی رسید و نه برعکس.

کمیته اقدام کارگری - در این دوره که اتحاد عمل سراسری توسط برخی از فعالین فراخوانده شده و نشستی هم صورت گرفته؛ به نظر شما چه گام هایی ما را به اتحاد عمل نزدیک می‌کند؟

به اعتقاد من گام های زیر در وضعیت کنونی توسط دوستانی که ضرورت اتحاد عمل را اعلام داشته و اولین نشست خود را به ثمر رسانده اند؛ از قرار زیر است:

گام اول: انتشار اسامی تمامی کمیته ها و افراد و تجمعات کارگری که آمادگی خود را برای تحقق این اتحاد عمل اعلام داشته اند. تشویق سایرین به تأیید و حمایت از این اتحاد عمل. از این طریق تمامی کارگران و محافل کارگری مطلع

می گردند چه بخش هایی از کارگران از این حرکت حمایت کرده و در نتیجه گسترش حمایت ها صورت می گیرد.

گام دوم: انتشار یک بولتن کارگری سراسری «اتحاد عمل»، با هدف تبادل نظر و دامن زدن به بحث سراسری. موضوعات بحث: ۱- ضرورت اتحاد عمل سراسری ۲- چگونگی ایجاد آن ۳- مطالبات پیشنهادی برای اتحاد عمل سراسری. ۴- ساختار تشکیلاتی آن.

پس از دوره ای (مثلا ۳ ماه). این بحث ها جمع بندی شده و در معرض عموم قرار می گیرد.

گام سوم: فراخوان به یک نشست عمومی (مخفی) از نمایندگان کمیته ها و افراد و محافل کارگری که طی دوره ی پیش یا نظریات و پیشنهادهای ارائه داده اند و یا تمایل به همکاری نشان داده اند. در این نشست تصمیمات در راستای محتوا و مطالبات و ساختار تشکیلاتی توسط جمع به شکل دموکراتیک گرفته می شود. در این نشست سراسری مسئولان و سازماندگان برای هماهنگی فعالیت ها تا نشست آتی انتخاب می گردند.

گام چهارم: اعلام اتحاد عمل و آغاز به فعالیت های سراسری.

کمیته اقدام کارگری – با تشکر از شما

۵ بهمن ۱۳۸۵

آدرس اینترنتی کتابخانه: <http://www.iwsn.org/nashr.htm>

آدرس پستی: BM IWSN, London WC1N 3XX, UK

ایمیل: yasharazarri@yahoo.com

مسئول نشر کارگری سوسیالیستی: یاشار آذری

بهمن ۱۳۸۵